



تعجب استاد وهابی عربستان از قاری ایرانی

قاری بین‌المللی قرآن گفت: در سفری به حج تمتع یکی از اساتید وهابی مدام درخصوص نحوه تلاوتم بهانه‌جویی می‌کرد و قصد تضعیف و تخریب داشت اما من با سؤالی تجویدی که وی نتوانست پاسخ دهد نه تنها استاد وهابی بلکه تمام حاضران را متعجب کردم.

«منصور قصری‌زاده» قاری بین‌المللی و حافظ کل قرآن کریم در گفت‌وگو با خبرگزاری فارس گفت: اعزام کاروان نور به حج تمتع یکی از فعالیت‌های تبلیغی اثرگذار است که توسط شورای عالی قرآن صورت می‌گیرد.

وی با بیان اینکه فرانت قرآن وجه مشترک تمامی مسلمانان است که تأثیر بسزایی در ترویج فرهنگ قرآنی دارد، افزود: در کشورهای عربی توجه زیادی به حفظ قرآن می‌شود، به طوری که در ایام برگزاری حج تمتع کودکان و نوجوانان بسیاری به تلاوت قرآن از حفظ می‌پردازند اما در کشورهای عربی به تلاوت قرآن کمتر توجه می‌شود.

این حافظ قرآن با اشاره به توانمندی‌های قاریان و حافظان قرآن کشورمان خاطر‌نشان کرد: اعزام کاروان نور برای تبلیغ و ترویج فرهنگ شیعی در بین مسلمان جهان که با فعالیت‌های قرآنی ایران آشنایی ندارند نقش بسزایی در توسعه امور قرآنی و به نمایش گذاشتن فعالان قرآنی ایران دارد.

قصری زاده با بیان اینکه در این سفر تعداد حافظان قرآن بسیار کم است، ادامه داد: از نظر تشویقی اعزام یک حافظ قرآن به سفر حج بسیار کم است اما از بعد تبلیغی در مراسم حج ظرفیت مناسبی برای حافظان قرآن وجود ندارد به همین دلیل بیشتر از قاریان برای شرکت در این سفر دعوت می‌شود.

وی با اشاره به سفر خود به حج تمتع گفت: من در سال ۶۶ که ۲۰ سال داشتم در مسابقات کشوری دانشجویان رتبه نخست را کسب کردم همچنین در مسابقات اعزامی به حج تمتع نیز منتخب شدم، به همین دلیل در سال ۶۶ تا ۶۶ توانستم برای نخستین بار به حج تمتع اعزام شوم. در آن زمان حس خاصی داشتم چون برای نخستین بار بود که به حج می‌رفتم. **تشریف به مذهب تشیع با تلاوت قاریان**

ایرانی

این قاری بین‌المللی قرآن با اشاره به برنامه‌های قرآنی در مراسم حج گفت: در یکی از سفرهای مشغول تلاوت قرآن بودیم که افراد بسیاری دور ما جمع شده بودند و آنقدر تیم قرآنی اعزامی زیبا به تلاوت قرآن می‌پرداخت که شنیدیم چند نفر از مسلمانان به مذهب تشیع گرایش پیدا کردند که این اتفاق برای من خیلی خاطره شیرینی است. قصری‌زاده در خصوص آخرین سفر خود به حج تمتع ادامه داد: آخرین بار در سال ۸۹ بود که به سفر حج تمتع مشرف شدم. در ایام حج قاریان قرآن اعزامی نمی‌توانند به صورت جمعی به تلاوت قرآن بپردازند چرا که مسئولان سعودی اجازه این کار را نمی‌دهند به همین دلیل من یک روز در جلست تلاوت قرآن سعودی‌ها به صورت ناشناس شرکت کردم، به طوری که استقبال بسیاری از تلاوت من شد و یکی از افراد از من خواست که در جمع دیگری نیز تلاوت داشته باشم.

وی خاطر‌نشان کرد: پس از اینکه به درخواست آنها در جمع دیگری حاضر شدم شروع به تلاوت قرآن کردم، از همان ابتدا استاد وهابی که فهمیده بود من ایرانی و شیعه هستم از تلاوت‌م اشکال می‌گرفت و من نیز با احترام با وجود اینکه می‌دانستم اشکالاتش بهانه است به سوالات پاسخ می‌دادم و حتی چندین بار جواب‌هایم را تکرار می‌کردم تا اینکه افراد زیادی دور ما جمع شدند، در آن لحظه که من متوجه دام آنها شده بودم یک سوال تجویدی از او پرسیدم، وی جواب داد اما در عمل نتوانست آن را اجرایی کند و من نیز اشتباه‌وی را متذکر شدم و گفتم: «نه تنها شما بلکه امام جماعت مسجدتان نیز این‌گونه را رعایت نمی‌کنند» و او که متعجب شده بود و نمی‌توانست پاسخ من را بدهد از من خواست که به ادامه تلاوتم بپردازم. در آن لحظه تمامی حاضران مرا تشویق کردند و من نیز به تلاوت پرداختم.

این حافظ قرآن با بیان اینکه ایران عامل‌ترین کشور دنیا به دستورات قرآن است، تصریح کرد: وهابیون با بهانه‌جویی پیوسته در حال تخریب و تضعیف مسلمانان هستند، آنها می‌خواهند عامل‌ترین کشور به قرآن را که با وجود مشکلات توانسته‌اند فعالان قرآنی توانمندی تربیت کنند ضعیف نشان دهند اما به برکت قرآن موفق نخواهند شد، بنابراین افراد اعزامی باید مواظب حرکات و بویژه نحوه تلاوت خود باشند تا مبدا بهانه‌ای به دست آنها ندهند.

کیمیا

معارف

Maaref@Kayhan.ir

اصول و شاخص‌های قرآنی نرمش قهرمانانه

انقلاب اسلامی ظرفیتی را برای حوزه‌های علمیه شیعی پدیدآورده تا مجامع علمی شیعی از گرفتاری ساختار «حوزه برای حوزه» و «روش‌زدگی» و «اصول فقه‌زدگی» و حتی «فلسفه‌زدگی اصول فقه» بیرون آید و به جای آن «حوزه برای جامعه و حکومت» جایگزین شود و ترکیبی از فقه محوری و اصول محوری و فلسفه اسلامی روزنگر در حوزه رشد یافته و «فقه جهان محور» و «فلسفه روزنگر» امکان رشد و بالندگی بیابد. موضوعات مستحدثه و لزوم پاسخگویی به آن‌ها از سوی مجامع علمی و حوزوی موجب شد تا «فقه زندگی» در حوزه رشد کند و امکان نظریه‌پردازی در مسائل و موضوعات گوناگون فراهم آید. تبیین فقهی مسائل روز در دستگاه فلسفی، اصولی و فقهی می‌طلبد که همواره فروعات به اصول دینی ارجاع داده شده و افعال مکلفین براساس آن تبیین، تعریف و توصیه شود. این امکان در فقه سیاسی نیز فراهم آمده است، چرا که مسایل و موضوعات مستحدثه فراوانی به فقه شیعی عرضه شده که پیش از این فقه شیعی به دلایل گوناگون و عوامل درونی و بیرونی امکان حضور نداشته است،ولی اکنون شرایط می‌طلبد که حکم فقهی و دینی آنها استنباط و بیان شود. از جمله موضوعاتی که در این فقه سیاسی مطرح است، تعاملات سیاسی با دیگران است. سیاست نرمش قهرمانانه یکی از این مصادیق است که نویسنده بر آن است تا نگرش اسلام را در این حوزه تبیین کند، هر چند که حوزه افتاء و فتوا به عهده مراجع و مجتهدین این ساحت است، ولی تبیین این دیدگاه، کمکی به موضوع‌شناسی از سویی و امکان فهم حکم فقهی از سوی دیگر خواهد کرد.

* منصور حسینی

نرمش قهرمانانه، انعطاف در چارچوب اصول

واژه‌ای که رهبری معظم انقلاب اسلامی در تبیین سیاست اسلامی در تعامل با دیگران به ویژه دشمنان و مخالفان بیرونی مطرح کرده، «نرمش قهرمانانه» است. این اصطلاح به عنوان یک راهبرد در سیاست‌های اسلامی مطرح

شده و ایشان در مقام ولایت فقیه

و مرجعیت سیاسی و اجتماعی از یک سو و مرجعیت فقهی از سوی دیگر، در مقام اسلام‌شناس، نگرش اسلامی را در تعاملات سیاست خارجی تبیین می‌کند. این راهبرد به شکل ترکیب دو واژه، اصطلاحی شاید جدید باشد

و از نظر شکلی از مصادیق مفهوم‌سازی شمرده شود، ولی راهبردی است که دارای مبانی و اصول شناخته شده اسلامی و مبتنی بر وحی و سنت دینی است.

رهبری بر آن است تا با اصطلاح‌سازی، مفاهیم قرآنی و اسلامی را در قالب نظریه‌های امروزی تبیین کند و این امکان را به جامعه نخبگانی در شبکه جهانی توحیدمداران می‌دهد تا فرصت یابند تا سیاست اسلامی را در قالب یک اصطلاح امروزی بشنوند و با آن، فقه سیاسی اسلامی را دریابند.

در ادبیات اسلامی اصطلاحاتی چون حقیقت وضعی و حقیقت شرعی و حقیقت مشرعه وجود دارد که به حوزه الفاظ باز می‌گردد. شارع مقدس برای این که مفاهیم بلندی را در قالب یک واژه و اصطلاح تبیین کند، گاه با کمی تغییر، همان موضوع له لفظ را به کار می‌گیرد ولی گاه به مفهوم‌سازی می‌پردازد. این گونه است که مثلا اصطلاح حج، زکات، جهاد و مانند آن دارای آن مفهومی خاصی می‌شود. این اصطلاح‌سازی کمک می‌کند که یک تفکر و نظریه در قالب واژگانی عرضه شود و مخاطب به سادگی به مفهوم منتقل شود.

رهبری معظم بارها به مفهوم سازی و تولید نظریه پرداخته و با استنباط از آموزه‌های اسلامی به تولید علم و سپس ارائه آن در قالب اصطلاحات و واژگان تأکید کرده است. اصطلاحاتی چون جهاد اقتصادی، اقتصاد مقاومتی و مانند آن در همین چارچوب تبیین می‌شود.

اصطلاح «نرمش قهرمانانه» که از سوی ایشان برای تبیین سیاست‌های راهبردی نظام اسلامی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی به کار رفته در همین چارچوب قرار می‌گیرد. این اصطلاح ترکیبی که برای تبیین سیاست خارجی به کار رفته، دارای دو واژه است که در ظاهر متناقض به نظر می‌رسد. واژه نرمش دلالت بر عنصر انعطاف‌پذیری دارد، در حالی که قهرمانانه دلالت بر سستی و سختی می‌کند؛ زیرا واژه قهر به معنای غلبه و چیرگی است که وقتی با مبانی افزوده‌ای همرا می‌شود بر شدت مفهومی و دلالتی آن افزوده شده و معنای شدت غلبه و چیرگی سلطه‌گونه قوی را می‌دهد.وقتی پهلوان و قهرمانی که بر میدان، مسلط و چیره استند، نرمش و انعطافی را در پیش می‌گیرند، این نرمش به رقیب این اجازه را نمی‌دهد تا او را به خاک افکند؛

بسیار لازم است، بسیار خوب است؛ عیبی ندارد» ایشان درک ماهیت طرف مقابل و فهم صحیح هدف‌گذاری او را، شرط اصلی استفاده از سیاست نرمش قهرمانانه اعلام کردند و افزودند: یک کشتی گیر فنی نیز برخی مواقع به دلیل فنی نرمش نشان می‌دهد، اما فراموش نمی‌کند که حریفش کیست و هدف اصلی او چیست؟

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در این باره این گونه توضیح می‌دهد: «این کشتی‌گیری که دارد با حریف خودش کشتی می‌گیرد و یک جاهایی به دلیل فنی، نرمشی نشان می‌دهد، فراموش نکند که طرفش کیست؛ فراموش نکند که مشغول چه کاری است؛ این شرط اصلی است؛ بفهمند که دارند چه کار می‌کنند، بدانند که با چه کسی مواجهند، با چه کسی طرفند، آماج حمله طرف آنها کجای مسئله است؛ این را توجه داشته باشند.»۹۲/۶/۲۶۴ در دیدار با فرماندهان سپاه)

رهبر معظم انقلاب در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان به کارگیری نرمش قهرمانانه در عرصه سیاست را مطلوب و مورد قبول دانستند.البته این نکته را نیز ذکر کردند که این حرکت نباید به معنای «عبور از خط قرمز یا برگشتن از راهبردهای اساسی و یا عدم توجه به آرمانها» باشد.

ایشان در این دیدار فرمودند:«در این سالها جبهه‌بندی‌های منطقه‌ای و جهانی هم آشکار شده. البته نرمش و انعطاف و مانور هنرمندانه و قهرمانانه در همه عرصه‌های سیاسی، یک کار مطلوب و مورد قبولی است، لکن این مانور هنرمندانه نیایستی به معنای عبور از خطوط قرمز، یا برگشتن از راهبردهای اساسی، یا عدم توجه به آرمانها باشد؛ اینها را باید رعایت کرد. البته هر دولتی، هر شخصی، هر شخصیتی، روشهایی دارند، ابتکاراتی دارند، این ابتکارات را انجام خواهند داد و آکارا پیش خواهد رفت.»۹۲/۶/۱۶)

ایشان می‌فرمایند: نمایندگان سیاسی جمهوری اسلامی ایران در جهان باید تیزتر از دشمنان، نرم‌تر از حریر و سخت‌تر از سنگ و بولاد باشند، عرصه سیاست خارجی میدان نرمشهای قهرمانانه است، اما نرمشی که در برابر دشمن تیز باشد. بنابراین دیپلماتهای ما باید در مواضع اصولی خود مستحکم بایستند واستقامت و پایدردی حضرت امام

* سنجش سیاست و برنامه‌های دشمن در اجرای سیاست نرمش قهرمانانه بسیار مؤثر است. از این رو، باید با دقت تمام و هوشیاری همه فعالیت ها و رفتارهای دشمن زیر ذره‌بین قرار گیرد و درصورت احراز صلح‌طلبی و نداشتن قصد فریبکاری از سوی کافران، می توان صلح کرد و با آنان به توافق رسید. این رویه‌ای است که خداوند درباره شرایط صلح با کافران در آیاتی چون ۵۹ و ۶۲ سوره انفال مطرح کرده است.

خمینی(رض) را الگوی خود قرار دهند. (به نقل از پایگاه اطلاع رسانی مقام معظم رهبری)

مبانی و اصول سیاست نرمش قهرمانانه
اسلام دین صلح ودوستی است. از نام‌های خداوند سلام است که به معنای صلح و سلامتی است. در واژه عربی «سلم» به معنای صلح است. خداوند با حکمت خویش بر آن است تا همه موجودات از جمله جن و انس را به کمال خودشان رهنمون سازد و در مقام ربوبیت و پروردگاری شرایط و علل در آیات قرآنی بارها بر این نکته تأکید شده که رحمت الهی بر غضب او پیشی گرفته است و اگر سنت الهی بر مجازات و کیفر ظالمان نبود، هرگز دوزخ و عذابی نبود. همین ویژگی در مظهر کامل خداوندی یعنی حضرت محمد مصطفی(ص) وجود داشته است و پیامبر(ص) خود را به رنج می‌افکند تا همگان را از عذاب و آتش خود برهاند و به بهشت رضوان الهی رهنمون سازد. (کیف، آیه ۱۶ شعراء، آیه ۳) آن حضرت(ص) دارای خلق عظیم و بزرگواری شگفتی بود (علق، آیه ۴) و همگان را به دور خود گرد می‌آورد. (آل‌عمران، آیه ۱۵۶) و حتی منافقان از این خوش‌خوبی

آن حضرت(ص) سوااستفاده می‌کردند و برخی مشرکان بر همین اساس طمع داشتند که نسبت به بتان کوتاه بیاید. (توبه، آیه ۶۱ و آیات دیگر)
بنابراین، رویکرد هدایتی اسلام موجب می‌شود که تا آنجا که امکان هست نسبت به دیگران بویژه مخالفان و دشمنان، تسامح و تساهل روا داشت تا آنان به حق بازگردند و در صراط مستقیم عبودیت قرار گیرند. هرگز اسلام به جنگ ابتدایی آغاز نکرده و دستور نداده است، بلکه همواره دعوت به صلح بوده و دستور نداده است، بلکه همیشه در صراط مستقیم و عدالت به سرایت داشته است. این امر در سوره بقره با اشاره به روحیه یهودیان و مسیحیان می‌فرماید که اینان خواهان عقب‌نشینی گام به گام هستند تا شما را به رویه ملت خودشان درآورند؛ یعنی سیاست تهاجمی آنان محدود به حوزه سیاسی و اقتصادی و نظامی نیست، بلکه حوزه فرهنگی را در اصل مورد تهدید و هجوم قرار می‌دهند و خواهان یکسانی آیین و فرهنگ هستند و روشناخت سیاست‌های کلان دشمن و انگیزه‌های اصلی در نرمش قهرمانانه لازم و ضروری است؛ زیرا اگر اهداف فردی در انگیزه‌های اصلی دشمن و مخالفان شناخته نشود نمی‌توان با بررسی تاکتیک‌ها و سازکارهای آنان، حقیقت را به دست آورد؛ چرا که تغییر در رویه‌ها و روش‌ها تنها یک سازوکار برای تغییر شرایط و دست‌یابی به سلطه و قه‌ری است که در نهایت به تغییر ملت و آیین و فرهنگ می‌انجامد.

البته نرمش قهرمانانه می‌تواند با تغییر تاکتیک و سازوکار همراه باشد که به ظاهر عقب‌نشینی است ولی در اصل و باطن، تقویت مواضع و تغییر شرایط است. از همین رو، در هنگام جنگ به گنججو فرمان می‌دهد که می‌تواند برای تغییر موقعیت و جنبش آن را تاکتیک و سازوکار عقب نشینی استفاده کند. (انفال، آیه ۱۶)

نرمش قهرمانانه مبتنی بر عدالت و شفقت در سیاست داخلی

در سیاست داخلی نیز باید از اصول نرمش قهرمانانه بهره برد که در کلام امام زمان(عج) با عنوان عدالت همراه شفقت از آن یاد شده است؛ زیرا عدالت به معنای اصول و شفقت یعنی نرمش مناسب و در چارچوب اصلی. پس در سیاست داخلی نمی‌بایست تنها از عدالت نسبت به رعیت و ملت بهره برد یا تنها با شفقت جامعه را مدیریت کرد، بلکه باید عدالت و قانون را با شفقت و نرمی و مهر درآمیخت و جامعه را با چنین سیاستی مدیریت کرد.

نموده و شرایط را برای ابلاغ پیام الهی بهبود بخشیده است. از این‌رو حتی به دشمنان اجازه داده می‌شود تا با هزینه خود یا بیت‌المال برای تحقیق از اسلام وارد بلاد اسلامی شده و به تحقیق از حقیقت بپردازند. (توبه، آیه ۶)
خداوند در آیاتی از جمله ۸۸ تا ۹۲ سوره نساء و ۴ و ۷ و ۱۲ سوره توبه بر حفظ روابط صلح‌آمیز با اقوام و ملتها تأکید داشته و آن را به عنوان یک ارزش و فضیلت بزرگ در حقوق بین‌الملل اسلامی مطرح می‌کند؛ زیرا از نظر اسلام صلح نسبت به جنگ و تفرقه، امری برتر و بهتر است؛ لذا در آیه ۱۲۸ سوره نساء صلح را به عنوان خیر مطرح می‌کند تا امت را به صلح تشویق و ترغیب نماید. ازنظر قرآن پایبندی به صلح و پیمان‌ها و عهدنامه‌های مربوط به آن عین تقوای الهی است و اصلا اگر بخواهیم درباره تقوای عقلانی و شرعی کسی قضاوت بکنیم و او را انسانی متعهد به قانون عقل و شرع بدانیم می‌بایست به صلح‌طلبی و پایبندی وی به عهدنامه‌ها و پیمان‌نامه‌ها توجه کنیم. (توبه، آیات ۴ و ۷ و ۱۲)

اگر در برخی از آیات از شدت عمل نسبت به کافران سخن به میان آمده (فتح، آیه۲۹) زمانی است که آنان حرکت‌های ایدئالی داشته و شرایط را برای مستضعفان از ملت خود و یا مؤمنان سخت و دشوار می‌کردند (نساء آیه۷۵) و با تهدیدات دائمی، به مرزهای عقیدتی و جغرافیایی مسلمانان تجاوز می‌کردند. از این‌رو، برای ترساندن دشمن و ایجاد شرایط

* نرمش قهرمانانه به معنای انعطاف در چارچوب اصول و صیانت از آن است. پس هرگاه نرمش و انعطاف موجب شود که از اصول دست برداشته و یا تسامح و تساهل درباره آن روا داشته شود، باید از این نرمش دست برداشت و اصول را هرگز فدای مصلحت نکرد؛ زیرا نرمش در چارچوب مصلحت سامان می‌یابد و هیچ مصلحتی بالاتر از اصول نیست.

عدم تعرض لازم است تا قدرت و شوکت امت اسلام و جامعه اسلامی با تهیه ابزارهای دفاعی و جنگی و آموزش رزم‌آوران حفظ و شرایط امنیتی و صلح تأمین شود. (انفال، آیه ۶۰)
پس اصولی چون صلح در راستای تعلیم و ابلاغ آموزه‌های الهی به دیگران از سویی و قهرمانگی از سوی دیگر در راستای دفع هرگونه تفکر و حرکت ایدئالی دشمنان باید به عنوان راهبردهای سیاست خارجی دولت اسلامی و مسلمانان در دستور کار قرار گیرد؛ زیرا اگر سلطه قهرآمیز و چیرگی دفاعی و نظامی و مانند آن فراهم نیاید دشمن به تصور و با توهم ضعف مسلمانان به آنان حمله کرد و امنیت جامعه اسلامی را با خطر مواجه می‌کند. پس ضمن صیانت از علل و عوامل قهر و غلبه جامعه اسلامی و ایجاد ترس در دل دشمنان، شرایط به گونه‌ای فراهم آید که دشمن به جای اندیشه حمله در اندیشه صلح باشد.

سنجش سیاست و برنامه‌های دشمن در اجرای سیاست نرمش قهرمانانه بسیار مؤثر است. از این رو، باید با دقت تمام و هوشیاری همه فعالیت ها و رفتارهای دشمن زیر ذره‌بین قرار گیرد و درصورت احراز صلح‌طلبی و نداشتن قصد فریبکاری از سوی کافران، می‌توان صلح کرد و با آنان به توافق رسید. این رویه‌ای است که خداوند درباره شرایط صلح با کافران در آیاتی چون ۵۹ و ۶۲ سوره انفال مطرح کرده است.

مهرزا و خطوط قرمز سیاست نرمش قهرمانانه
چنان که گفته شد نرمش قهرمانانه به معنای انعطاف در چارچوب اصول و صیانت از آن است. پس هرگاه نرمش و انعطاف موجب شود که از اصول دست برداشته و یا تسامح و تساهل درباره آن روا داشته شود، باید از این نرمش دست برداشت و اصول را هرگز فدای مصلحت نکرد؛ زیرا نرمش در چارچوب مصلحت سامان می‌یابد و هیچ مصلحتی بالاتر از اصول نیست.

خداوند هرگز اجازه نمی‌دهد که امت اسلام و رهبرانی که مجاز به عهد و پیمان هستند، از اصول خود کوتاه آیند. از این رو هرگاه احراز صلح شود که هدف دشمنان از صلح‌طلبی تغییر موقعیت و یا دست یابی به شرایط برتر و یا فریبکاری است، نمی‌توان با دشمن صلح کرد.

هم‌چنین اگر صلح و پیمان موجب می‌شود که از برخی از اصول کوتاه بیاییم و عقب‌نشینی کنیم این عقب‌نشینی مجاز نیست و بلکه حتی اگر بدانیم که عقب‌نشینی در غیر اصول هم ممکن است دشمن را گستاخ کرده و به امتیازگیری سوق دهد نمی‌بایست در غیر اصول نیز نرمش نشان داد.

خداوند در آیه ۱۲۰ سوره بقره با اشاره به روحیه یهودیان و مسیحیان می‌فرماید که اینان خواهان عقب‌نشینی گام به گام هستند تا شما را به رویه ملت خودشان درآورند؛ یعنی سیاست تهاجمی آنان محدود به حوزه سیاسی و اقتصادی و نظامی نیست، بلکه حوزه فرهنگی را در اصل مورد تهدید و هجوم قرار می‌دهند و خواهان یکسانی آیین و فرهنگ هستند و روشناخت سیاست‌های کلان دشمن و انگیزه‌های اصلی در نرمش قهرمانانه لازم و ضروری است؛ زیرا اگر اهداف فردی در انگیزه‌های اصلی دشمن و مخالفان شناخته نشود نمی‌توان با بررسی تاکتیک‌ها و سازکارهای آنان، حقیقت را به دست آورد؛ چرا که تغییر در رویه‌ها و روش‌ها تنها یک سازوکار برای تغییر شرایط و دست‌یابی به سلطه و قه‌ری است که در نهایت به تغییر ملت و آیین و فرهنگ می‌انجامد.

البته نرمش قهرمانانه می‌تواند با تغییر تاکتیک و سازوکار همراه باشد که به ظاهر عقب‌نشینی است ولی در اصل و باطن، تقویت مواضع و تغییر شرایط است. از همین رو، در هنگام جنگ به گنججو فرمان می‌دهد که می‌تواند برای تغییر موقعیت و جنبش آن را تاکتیک و سازوکار عقب نشینی استفاده کند. (انفال، آیه ۱۶)

نرمش قهرمانانه مبتنی بر عدالت و شفقت در سیاست داخلی

در سیاست داخلی نیز باید از اصول نرمش قهرمانانه بهره برد که در کلام امام زمان(عج) با عنوان عدالت همراه شفقت از آن یاد شده است؛ زیرا عدالت به معنای اصول و شفقت یعنی نرمش مناسب و در چارچوب اصلی. پس در سیاست داخلی نمی‌بایست تنها از عدالت نسبت به رعیت و ملت بهره برد یا تنها با شفقت جامعه را مدیریت کرد، بلکه باید عدالت و قانون را با شفقت و نرمی و مهر درآمیخت و جامعه را با چنین سیاستی مدیریت کرد.

صفحه ۶ پنج شنبه ۱۱ مهر ۱۳۹۲ ۲۶۰۷ شماره ۱۴۳۴ذی‌قعدة۱۴۳۴ – شماره ۲۶۰۷

چراغ راه

ازدیاد عمر با خوشحالی پدر و مادر

قال الصادق(ع): ان احببت ان یزید الله فی عمرک فسر ابوبک امام صادق(ع) فرمود: اگر دوست داری خداوند بر عمرت بیفزاید، پدر و مادرت را خوشحال کن.^۱

۱- میزان‌الحکمه، حدیث ۱۴۲۴۵

حکایت خوبان

ارزش انفاق در زمان حیات

مردی که اموال فراوانی داشت، مزرعه و نخلستان و باغ و آدم صالحی هم بود و تمام حقوق خدا و بندگان خدا را ادا کرده بود و حق کسی هم بر ذمه‌اش نبود، بیمار شد، پیامبر اکرم(ص) به عیادت او رفت و کنار بسترش نشست. او گفت: یا رسول الله! من تمام حقوقی را که از خدا و بندگان خدا برذمه‌ام بود، ادا کرده‌ام و به هیچ کم هم بدهکاری ندارم. تنها انبار خرمایی دارم که از من باقی می‌ماند. حال از حضرت عالی تقاضا می‌کنم پس از مرگ من در آن انبار را باز کنید و آنچه خرما هست در میان مستمندان تقسیم کنید. رسول خدا(ص) هم قبول وصیت کرد و پس از مرگ او، در انبار را باز کرد و آنچه خرما بود، در میان مستمندان تقسیم کرد و پس از خالی شدن انبار،خود شد و از میان خاک‌ها یک دانه خرما برداشت و دست خودش را بلند کرد که همه ببینند. بعد فرمود: ای مردم! اینکه در دست من است چیست؟ گفتند: یک دانه خرما است. حضرت فرمود: بدانید! اگر این مرد در زمان حیات خودش این دانه خرما را انفاق کرده بود ثوابش از انفاق این انبار خرما که من به وصایت او از انجام دادم بیشتر بود.^۱

۱-هنای زندگی صفای بندگی، آیه الله ضیاء‌آبادی، ص ۱۰۷

پرسش و پاسخ

اخلاق اجتماعی

پرسش:

اخلاق اجتماعی چیست و چگونه می‌توان اخلاق اجتماعی یا مبانی مستحکم عقلانیت و اعتدال را به وجود آورد؟

پاسخ:

جامعه اسلامی، جامعه‌ای است ازرتشمند که در آن سعادت فرد با سعادت اجتماع پیوند خورده و میان مسئولیت‌های اجتماعی و ایمان اسلامی ارتباط قوی و ناگسستگی وجود دارد، و براساس آموزه‌های وحیانی اخلاق اجتماعی یا مبانی مستحکم عقلانیت و اعتدال، عامل حقیقی این ارتباط است، زیرا اخلاق با ملکات نفسانی و تزکیه نفس، و منس و روش اعتدال، اعمال فردی و روابط اجتماعی انسان رابطه عمیق داشته، مستلزم هم‌زیستی سالم‌ت‌آمیز و تعاملات پایدار عملی و درونی است و در این مسیر توجه به شاخص‌های مطلوب اخلاق اجتماعی از جمله عقلانیت، اعتدال، تقوا، کرامت و عزت‌نفس، مواخت(برادری)، محبت، توحید و گسستی، امنیت اجتماعی، ایثار، انفاق، قناعت، وفای به عهد، امانت‌داری، ترویج و گسترش امر به معروف و نهی از منکر و. به مثابه مبانی ارزشی اخلاق و جامعه ایده‌آل اخلاقی، عامل تنظیم صحیح این هم‌زیستی‌ها و تعاملات است. بنابراین اخلاق اجتماعی یا مبانی مستحکم عقلانیت و اعتدال و. از مهم‌ترین موضوعاتی است که ارتباط اساسی‌ها را با خود، جامعه و تاریخ مطرح می‌سازد، زیرا جامعه قادر است یک تمدن را بسازد نه فقط یک فرد او اجتماع انسانی پیوسته تاریخ را ساخته و به جلو برده است.

علامه طباطبایی(ره) و شهید مطهری(ره) از جمله اندیشمندانی هستند که در تفکرات و نظریات اخلاقی خویش به تبیین همه جنبه مؤلفه‌های مطلوب اخلاق اجتماعی پرداخته‌اند. این بزرگواران سرنوشت افراد جامعه را به یکدیگر وابسته دانسته و معتقدند صلاح و فساد اجتماع از رفتار اعضای آن تاثیرگذار است، بدین جهت الفتاح جدی به مؤلفه‌های اجتماعی اخلاق با رویکرد عقلانیت و اعتدال برای عملی و نه‌ایندنه ساختن آنها در محیط جامعه اسلامی را ضروری می‌دانند و به تبیین آنها در آثار مکتوب و غیرمکتوب خود پرداخته‌اند.

اخلاق اجتماعی از منظر علامه طباطبایی(ره)

اخلاق اجتماعی به مثابه پایه‌ای رشد و بالندگی محیط انسانی و توفیق آنان در ایجاد جامعه‌ای سالم قلمداد می‌شود که در پرتو محاسن و خلیقات حمیده، موجب‌ت تحکیم روابط اجتماعی را فراهم می‌آورد و حیات اجتماعی را در مسیر تعالی و تکامل، و به کام انسان گوارا می‌سازد. در حقیقت، خداوند نظام وجودی را طوری خلق کرده که این نظام به غایابی منتهی می‌شود که سعادت انسان در رعیتن به این غایات است. در عین حال قوانین و سنی در قالب شریعت برای هماهنگ شدن قوا در رسیدن به سعادت، در اختیار انسان‌ها قرار داده که اوامر و نواهی شریعت، در واقع محمل اوامر و نواهی خداوند بوده و منطبق با فطرت الهی است و به نام اخلاق اجتماعی مطلوب خوانده می‌شود، و براساس آن رابطه معناداری بین اخلاق و دین برقرار می‌سازد. خداوند با ایجاد این قواعد در عالم عزت و کرامت نفس پایدار و مبتنی بر آموزه‌های سعادت‌آوار دانسته و از آنجا که انسان موجودی اجتماعی است، ارزش‌های موجود در این حوزه را شرط وصول به کمال او و مقدمه‌ای مطلوب جهت نیل به فلاح و رستگاری دنیوی و اخروی به شمار می‌آورد.(مجموعه آثار، ج ۲، ص ۱۷۴)

سلوک عارفانه

شهید مطهری(ره) اخلاق اجتماعی را بستری برای وصول به توحید و سیر الی‌الله می‌داند، به شرطی که از مادیت و خودخواهی محض خارج باشد، و ضمانت اجرایی آن مبتنی بر ایمان مذهبی و دین‌داری انسان‌ها باشد. در حقیقت، ایمان اخلاقی اجتماعی را به مثابه شعبه‌ای از اخلاق اسلامی برزخدار از ایمان به خداوند عزت و دردی راه ندانند و با مال و جانشان در راه خدا جهاد کنند، به کمال او و مقدمه‌ای مطلوب جهت نیل به فلاح و رستگاری دنیوی و اخروی به شمار می‌آورد.(مجموعه آثار، ج ۲، ص ۱۷۴)

اسلام حقیقی ایمان به خدا و هجرت با مال و جان

(بدان ای سالک راه خدا!) درباره اسلام حقیقی که مرادف با ایمان است، روایت داریم که پیامبر اکرم(ص) فرمود: «الایمان بالقلب و الایمان و الهجره بالنفس و المال» (کنز‌الععمال، ج ۱، ص ۳) ایمان با قلب و زبان است و هجرت با جان و مال. زیبایی بحث در این است که ایمان و اسلام حقیقی، امری قلبی است. این معنایش دل‌بستن است. اگر نسبت به یک چیزی دل‌بستی به وجود آمد، آن وقت انسان از چیزهای دیگر گسسته می‌شود. معنای هجرت، از مادیت گسستن و به مبدا معنویت پیوستن است. که سرآمد مادیت، جان و مال است و این همان چیزی است که پیغمبر اکرم(ص) در این روایت فرمودند. در قرآن کریم هم خداوند می‌فرماید: «هومان حقیقی کسانی‌اند که به خدا و رسول او ایمان آوردند، و هیچ‌گاه از خدا تردیدی راه ندانند و با مال و جانشان در راه خدا جهاد کنند، تنها ایشان در ایمان خویش صادقند. آنچه در روایت پیامبر اکرم(ص) در مورد جان و مال آمده، عینا همان چیزی است که در این آیه شریفه مطرح شده است.^۱

۱- سلوک عاشورایی، آیت‌الله شیخ مجتبی تهرانی، منزل چهارم، ص ۶۲